

# بشاگرد تنهاست

گزارشی عینی از بشاگرد که بعد از ۲۲ روز اهالی ۴۰ روستایش هنوز در محاصره سیل هستند

مرجان دهقان - بیش از دو هفته است که در سیل و راه‌بندان گیر کرده‌ایم. خانه‌های کپری‌مان پر از آب شده‌است و تا خانه‌وزندگی‌مان را خشک می‌کنیم، باران از نو خانه خراب‌مان می‌کند. این‌ها گلا به یک زن اهل روستای سربیر در شهرستان بشاگرد است. ۲۲ روز از سیل گذشته‌است و بشاگرد همچنان در انتظار کمک و در بحران به سر می‌برد. ذخیره غذایی کافی در روستاها نیست و اهالی بیش از ۴۰ روستا هنوز در محاصره سیل هستند. سیل جان یک نفر را در رودخانه و چندین نفر را در راه‌های مسدود شده، گرفته‌است. این روزها مرغ‌وزندگی مردم بشاگرد در گرو توجه مردم مسئولان است. برون رفت از این بحران عزمی ملی می‌طلبد. در این گزارش از آن چه در بعضی از این روستاها دیدیم و شاهد بودیم که این روزها مردم سیل زده بشاگردی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، گفته‌ایم.

## ماندن کمک‌های ناچیز پشت رود کوه



عصر روز سه‌شنبه یکم بهمن ماه اهی بشاگرد دشدم. هماهنگی برای ورود به این شهرستان چند روز مان برد. همین هشدار ی بود تا بفهمم اوضاع بشاگرد همچنان نابه‌سامان است. در راه از راننده در باره سیل جویا شدیم. او که بشاگردی است و این روزها به روستاهای بحران زده رفته و آمده‌است، می‌گوید: «از بعد از ظهر پنج‌شنبه (۱۹ دی) حدود ساعت ۷، باران نم‌نم می‌بارید. من آن موقع در جاده بودم. حدود ساعت ۲۴ که رسیدم سر دشت، باران شدت گرفت. باید د کتر را می‌رساندم به روستای سیت. باران آن قدر تند می‌بارید که چشم، چشم‌رانی می‌دید. اصلاً شبیه باران نبود. انگار آسمان دهن باز کرده و یک تنگ آب از آن سرازیر شده بود. در راه برگشت دیگر جاده‌ای نبود. یک آب‌راه کوچک خودش سیل شده و جاده را کامل خراب کرده بود. دو، سه سانی بشاگرد خیلی کم آب بود. توی جاده که می‌رفتم عین جهنم بود اما این چند روز از زمین آب می‌جوشد. بعد از سه روز باران بی‌وقفه، روز شنبه همه جاسیل راه افتاد. همان روز یک نفر با موتور به آب زد. اهل بشاگرد دنبودن می‌دانست و رودخانه‌های این جاذوشی است. جنازه‌اش را چند روز قبل تحویل خانواده‌اش دادند. اوضاع آن‌هایی که در کپیر زندگی می‌کنند، خیلی وخیم است.» برای رسیدن به سر دشت که مرکز شهرستان بشاگرد است، از دل جاده‌هایی باریک عبور کردم که در محاصره کوه بودند. آفتاب کامل رفته بود و در مسیر پر پیچ و خم جاده حتی یک تابلوی راهنما وجود نداشت. هر چه به سر دشت نزدیک‌تر می‌شدم، فاصله آب راه‌هایی که از وسط جاده می‌گذشتند و آسفالت نه‌چندان هموار آن را تخریب کرده بودند، کمتر می‌شد. مسیر ۲۵۵ کیلومتری بندر عباس تا سر دشت را شش ساعته طی کردم و مجبور شدم شب را همان جاسر کنم. فردای آن روز اول صبح به مرکز هلال احمر گوه‌ران رفتم. آن‌جا با زن جوانی مواجه شدم که با همسرش از روستای زمین‌تبان آمده بود. هر دو لباس بلوچی به تن داشتند. همین مشخصه ظاهری‌شان نشان می‌داد که به مرکز سیستان و بلوچستان نزدیک‌تر هستند و احتمالاً روستای‌شان در بحران جدی‌تری گرفتار است. سیل مسیر دسترسی روستای‌شان را بسته‌است و پایی پیاپی تا گوه‌ران آمده‌اند بلکه کمکی بگیرند و بتوانند زندگی‌شان را جمع‌وجور کنند. زن جوان می‌گوید: «هنوز کسی نیامده تا از روستای‌مان

بازدید کند. فقط یک بار هلال احمر بسته ۷۲ ساعته مواد غذایی برای هر خانوار آورد. آن‌هم به روستای دژنگم‌و دادند تا خودمان برویم و تحویل بگیریم. دیروز که با چند خانم دیگر رفتیم تا بسته‌ها را بیاوریم، آب جگین من را برد. بین دوتا تخته سنگ گیر کردم و زن‌ها نجاتم دادند. باید از پنج رودخانه، ردشوم تا به جاده اصلی برسیم. آن روز فقط دوتا رودخانه را توانستیم رد کنیم. بقیه راه را از کوه رفتیم. اگر جاده داشتیم، مشکلات مان کمتر بود و این همه سختی نمی‌کشیدیم. می‌توانستیم راحت رفت‌وآمد کنیم نه این که مجبور باشیم برای رسیدن به یک آبادی از چند کوه بگذریم.»

## باز کردن راه بادست خالی



صبح پانزدهمین روز سیل به سمت روستاهای بخش گافر و پارامون حرکت کردم. این منطقه یکی از مرکزهای اصلی سیل است. قرار بود به سه روستای محمودآباد، کولخ و سربیر بروم که بعد از سیل، اولین بار است کسی سراغ‌شان می‌رود. هنگام خروج از هلال احمر، یکی از راننده‌ها در حالی که لنت ماشین را نشان می‌داد که این روزها با آن امداد رسانی کرده‌است، گفت: «بین آن قدر ساییده که به آهن رسیده‌است. همین چند روز قبل عوضش کرده بودم». می‌دانم که قرار است باتوی جاده ناهمواری بگذاریم. پیشتر اهالی هم لابه‌لای حرف‌های‌شان گفته بودند که بشاگرد جاده در ست و حسابی ندارد، اما وقتی ماشین از جاده اصلی به سمت گافر می‌رود، می‌فهمم اوضاع از آن چه فکر می‌کردم، بغرنج‌تر است. اصلاً جاده‌ای وجود ندارد. مسیری است در دل کوه و پر از سنگلاخ. با تعجب از همراهانم که بشاگردی هستند می‌پرسم، آیا این جاده اصلی گافر است و می‌فهمیم نه تنها جاده اصلی است بلکه خرابی‌هایش ربط چندانی به سیل ندارد. قبل از این هم همین قدر ویران بوده‌است. یک راهنمای محلی با لباس بلوچی، سوار بر موتور جلوتر می‌رود و راهنشان‌مان می‌دهد. ماشینی که با آن به سمت گافر می‌رویم، حامل کمک‌های مردمی است. مرد راهنما برای این که ماشین کمک به روستایش برسد، سنگ‌های بزرگ را تنهایی از دل گل بیرون می‌کشد تا راه برای عبور ماشین باز شود. بیشتر اهالی هر سه روستا کپرنشین هستند. سقف کپرها پوشیده از حصیرهای

قدیمی و آفتاب خورده‌است. برخی آن قدر ز هوارشان در فته که با تکه‌های پارچه وصله شده‌است. یکی از زن‌های روستا می‌گوید: «تا امروز خودمان را با خرما سیر کردیم. هلال احمر به روستای بالا رفته اما این‌جا کمک نیامده‌است». پیرمردی را نشانم می‌دهد که در این مدت یک بار پای پیاده، از مسیر کوه‌تا سر دشت رفته‌است. پیرمرد با لهجه غلیظ بشاگردی می‌گوید: «از سختی راه، یک لحظه فکر کردم که دارم می‌میرم. فقط توانستم یک شانه تخم مرغ با خودم بیاورم.»

## کمک اما این جا گیر افتادیم



بشاگرد بیش از ۲۷۰ روستا و آبادی دارد. روستاهای آن جمعیت چندانی ندارد اما پراکنده هستند. در هر ده یا دامنه کوه چند خانوار ساکن شده‌اند که بیشترشان در کپیر زندگی می‌کنند. اغلب روستاها جاده ندارند و برق تنها امکانی است که از آن بهره‌مند هستند. سیل همین امکان حداقلی را هم این روزها از آن‌ها گرفته‌است و هنوز برق بعضی از روستاها قطع است. روستاهایی که در مناطق مرتفع‌تر واقع شده‌اند، می‌توانند از تلفن همراه و اینترنت استفاده کنند اما آن‌هایی که در دره هستند، مشکل آنتن دهی دارند به همین دلیل بعضی از روستاها، امکان اطلاع رسانی از وضعیت روستای‌شان را ندارند. به گفته اهالی، بچه‌ها فقط تا کلاس ششم می‌توانند در روستای خودشان تحصیل کنند. بعد از آن باید به سر دشت (مرکز شهرستان بشاگرد) بروند و بیشتر هفته را دور از خانواده و در خوابگاه بمانند. همین امکان حداقلی تحصیل در روستاهانیز شرایط مطلوبی ندارد. بیشتر مدرسه‌ها کپری است. فقط بعضی از روستاها که خوش‌شانس‌تر بوده‌اند، کانکس محقری جای مدرسه را گرفته‌است. محاصره روستاها در سیل، دانش‌آموزان را از درس و مدرسه انداخته‌است. آن‌هایی که برای تعطیلات آخر هفته به روستای‌شان بازگشته بودند، امکان برگشتن به مدرسه را ندارند.

بارندگی‌های اخیر لانه مار و عقرب را خراب کرده‌است و با وجود سرمای هوا، چندین مورد گزیدگی گزارش شده‌است. امدادگران داوطلب اظهار می‌کنند مسافانه به دلیل بسته بودن راه‌ها و نبود پزشک یا مرکز درمانی در روستا، بعضی موارد به فوت منجر شده و چند خانم باردار نیز بچه‌شان مرده به دنیا آمده‌است. روستاها معمولاً مغازه‌ای ندارند تا اهالی بتوانند

## بشاگرد، همواره در خطر

سیل در راه است. این هشدار ی بود که در میانه روزهای پرت‌هتاب و درناک دی ۹۸، لابه‌لای اخبار مختلف گم شد. سازمان هواشناسی ایران دو روز قبل از وقوع سیل، از ورود یک موج بارشی فعال به جنوب و جنوب شرق کشور خبر داد. طبق اخطار به شماره ۱۰ هواشناسی هرگز گان این سامانه بارشی از پنج‌شنبه ۱۹ دی آغاز و تا یک‌شنبه ۲۲ دی ماه ادامه داشت. ستاد بحران استان نیز از صبح روز پنج‌شنبه به فرمانداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی استان آماده‌باش کامل اعلام کرد. با وجود این خبری از اقدام‌های پیش‌گیرنده نبود و بعد از سه روز باران بی‌امان، جاسک و بشاگرد دزیر آب رفتند. در همین روزها مردم سیستان و بلوچستان هم با سیل دست و پنجه نرم می‌کردند. به مدد شبکه‌های اجتماعی، خدروا و شکر صدای آن‌ها کمی بعد از وقوع این حادثه، به گوش مردم ایران رسید. فعالان اجتماعی و رسانه‌ها، نیروهای مردمی را برای کمک به سیستان و بلوچستان بسیج کردند اما خبر سیل هرگز گان همچنان در خیل اخبار کشوری کم‌رنگ مانده و هرگز گان از سیل کمر راست نکرده‌است. تا جایی که یک روزنامه کشوری، عکسی از مردم سیل زده روستای حاجی‌آباد جاسک را با تیتر «بلوچستان بر آب» عکس یک کرد. حتی در خود استان نیز آن‌طور که باید از وضعیت سیل هرگز گان و به‌ویژه بشاگرد، اطلاع‌رسانی نشد. برای فهمیدن آن چه بعد از سیل بر مردم بشاگرد می‌رود، دست به دامن دوست و آشنا شدم و بارها این جمله را شنیدم که «مگر در بشاگرد دهم سیل آمده‌است؟! متأسفانه با گذشت ۲۲ روز از سیل، وضعیت بشاگرد همچنان ناپایدار و نگران‌کننده‌است. به گفته امدادگران، مسیر دسترسی به حدود ۴۵ روستا هنوز بسته‌است و مردم در محاصره سیل به سر می‌برند. این یعنی حدود سه هزار بشاگردی هنوز کمکی دریافت نکرده‌اند. هلال احمر و ستاد مدیریت بحران، تجهیزات کافی برای بازگشایی سریع مسیرهارا ندارند. از طرف استان پنج دستگاه لوادر اختیار شهرستان قرار گرفته‌است اما بنا به قول یکی از مسئولان محلی، به دلیل باتلاقی بودن مسیر، بیشتر آن‌ها در همان روزهای اول از کار افتاده‌اند. روستاهایی که در بستر خشکیده رودخانه‌ها شکل گرفته، بیشترین خسارت را دیده‌اند. زیرساخت‌های فرسوده در حوزه راه، لایروبی نشدن رودخانه‌ها و نبود سیستم دفع آب‌مسلحی باعث می‌شود تا مسیرهای روستایی با هر بارش، مسدود شوند. به همین دلیل بشاگرد همواره در معرض آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی است.

اما پای‌شان به هرگز گان نرسیده‌است، مسئولان هرگز گان نیز همین رفتار را با بشاگرد داشته‌اند. بودجه مصوب هیئت دولت برای رسیدگی به مناطق سیل زده، تیر خاص تبعیض‌هاست. به گزارش ایران‌دا، در سیل اخیر سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرگز گان به ۲۷ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی خسارت وارد شده‌است. با تصویب هیئت دولت برای جبران خسارت‌های وارد شده، مبلغ هزار و ۶۳۵ میلیارد تومان به مردم پرداخت خواهد شد اما این که بودجه مصوب شده با چه نسبتی بین استان تقسیم می‌شود، مبهم مانده‌است.

## لزوم بسیج نیروهای ملی و مردمی




«چون راه نیست، کمک زیادی به مردم نرسید»، این را یکی از نیروهای امدادی بشاگرد گفت. وزیر راه در سفرش به بشاگرد قول نصب سریع یک پل عبور موقت را داده‌است. با وجود این هنوز بخش قابل توجهی از بشاگردی‌ها بی‌بهره‌اند و در روستا حبس شده‌اند. بحران‌های عدیده بشاگرد در بن بست نبود جاده مناسب گیر کرده‌است. ماشین‌آلات راه‌سازی بشاگرد جواب‌گوی نیاز شهرستان نیست. بازگشایی مسیرها و تامین ماشین‌آلات سنگین مورد نیاز، کمک مسئولان کشوری و دیگر شهرها و استان‌ها را می‌طلبد. بخشی از مسیرهای باز شده در بارندگی ششم بهمن مجدد مسدود شده‌است. راه‌های باز شده هم فقط برای امداد رسانی به کار می‌آید و ماشین‌های عادی نمی‌توانند از آن عبور کنند. از طرف دیگر نمی‌توان با ساخت جاده، کمک‌رسانی را متوقف کرد. مردم به نابلون، آب آشامیدنی، پتو و مواد غذایی نیاز دارند. اگر چه در این شرایط نیازهای اساسی اولویت دارند اما اسباب‌بازی هم از اقلامی است که می‌تواند کودکان را سرگرم و تحمل شرایط را برای‌شان آسان‌تر کند. باید به دنبال راهی برای رساندن مستقیم کمک‌ها به بشاگرد بود. شرایط فعلی بشاگرد، به معر‌فی یک راه مستقیم کمک نیاز دارد. امداد رسانی در بحران‌های این چنینی باید از جانب نهادهای رسمی مدیریت شود. اعتماد سازی این نهادها و اطلاع‌رسانی دقیق از شرایط و نیازهای منطقه می‌تواند به بسیج هدفمند کمک‌های مردمی منجر شود. با این کار نه کمک‌های جمع‌آوری شده هدر می‌رود و نه افراد سوءاستفاده‌گر، بحران را دست‌مایه مطرح کردن خودشان در فضای مجازی می‌کنند.

## بحران در تبعیض مانده



بشاگرد رودخانه‌ای به نام «جگین» دارد که آب آن به سمت جاسک روان است. با آغاز فعالیت سامانه بارشی ۱۹ دی ماه، آب این سد رو به سرریز شدن گذاشت و مدیران شهر برای مدیریت بحران، دریچه‌های آن را باز کردند. دیری نپایید که شهر جاسک زیر آب جگین رفت. در این سیل ۹ روستای جاسک به‌طور کامل تخریب و حدود ۲۰۰ روستا دچار بحران شد. با آغاز سیل، گروه‌های امدادی از مردم تقاضای کمک کردند. هر چند اطلاع‌رسانی در باره نحوه کمک و اقلام مورد نیاز تا کافی بود اما هلال احمر شماره حساب استانی برای کمک به سیل زگان هرگز گان اعلام کرد. فرقی نمی‌کند مردم کمک‌شان را برای جاسک یا بشاگرد اهدا کنند. کمک‌ها بین جاسک و بشاگرد تقسیم می‌شود. همین موضوع آغازی برای تبعیض در مدیریت بحران جاسک و بشاگرد است. بیشتر کمک‌ها به سمت جاسک سرازیر هستند. مواد غذایی در بشاگرد با کمبود مواجه است و بالگردی برای کمک‌رسانی به روستاهای در محاصره سیل وجود ندارد. بالگردهایی هم که تاکنون به بشاگرد کمک رسانده، از جاسک به پرواز درآمده‌اند. طبق اخبار منتشر شده، مسئولان نیز در بازدید از مناطق سیل زده، تبعیض آمیز رفتار کرده‌اند. جدای از این که بسیاری از مسئولان کشوری تا سیستان رفته‌اند



**مرکز آموزش هنر و رسانه**

**دپارتمان گرافیک**  
Graphic Department

مدیر دپارتمان: روح‌اله گیتی‌نژاد

**فوتوشاپ مقدماتی تا پیشرفته**

علیرضا عشقی  
سه شنبه ۱۸-۱۴  
۱۰ جلسه - ۳۴۰ هزار تومان

**یلوستریتور**

قواد آرام  
شنبه ۲۰-۱۶  
۱۰ جلسه - ۳۳۰ هزار تومان

**طراحی مقدماتی**

سارا دستمالچیان  
شنبه ۲۰-۱۸  
۱۰ جلسه - ۳۳۰ هزار تومان

**یندیزاین**

امید باصری  
پنجشنبه ۲۰-۱۶  
۱۰ جلسه - ۳۳۰ هزار تومان

**تکنیک‌های تصویرسازی**

سارا دستمالچیان  
دوشنبه ۲۰-۱۸  
۱۰ جلسه - ۳۳۰ هزار تومان

**اعطای مدرک مورد تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**

**ثبت نام حضوری و تلفنی: مشهد | بلوار شهید صادقی (سازمان آب) | صادقی ۱۸ - شماره ۲۵ | تلفن: ۳۷۰۰۹۰۹۶ | ساعت پاسخگویی: ۱۸-۱۰ | ثبت نام اینترنتی: www.satrschool.com**